



کوروش بزرگ (کوروش شناسی)

نگاهی به قوم تالش و زبان تالشی

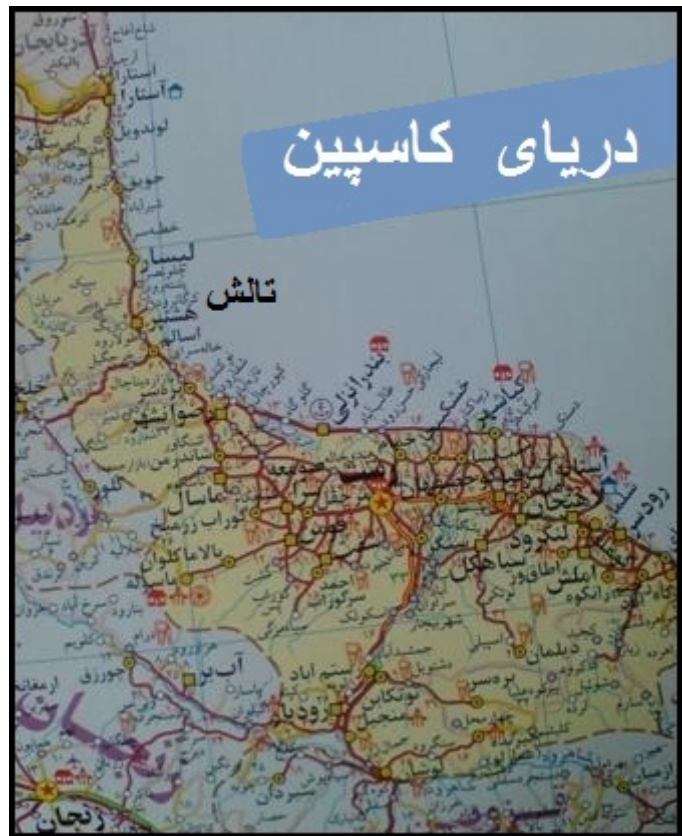
نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۲۴ فروردین ۱۳۹۳ | ۱۶ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

تالشان و زبان تالشی: استرابو دانشمند شناخته یونانی که کتاب خود را در جغرافی در دو هزار سال پیش نوشته، در گفتگو کردن از ((ماد آتورپاتی)) که خواستش آذربایجان کنونی است ایل‌های کوه نشین آنجا را بدینسان نام می برد: گرتیان، آماردان، تاپوران، کادوسیان. از این چهار ایل سه تای نخست شناخته می باشد و از هر کدام کم و بیش آگاهی در میان می باشد. لیکن از کادوسان یا کادوسیان که به نوشته همان دانشمندان تیره ای بزرگ و نیرومند و نامدار می بوده اند، نام و نشانی دیده نمی شود. (۱)... گیرشمن در تاریخ ای



تالشان و زبان تالشی :

استرابو دانشمند شناخته یونانی که کتاب خود را در جغرافی در دو هزار سال پیش نوشته ، در گفتگو کردن از ((ماد آتورپاتی)) که خواستش آذربایجان کنونی است ایل‌های کوه نشین آنجا را بدینسان نام می برد : گرتیان ، آماردان ، تاپوران ، کادوسیان . از این چهار ایل سه تای نخست شناخته می باشد و از هر کدام کم و بیش آگاهی در میان می باشد . لیکن از کادوسان یا کادوسیان که به نوشته همان دانشمندان تیره ای بزرگ و نیرومند و نامدار می بوده اند ، نام و نشانی دیده نمی شود . (1).

...

گیرشمن در تاریخ ایران می نویسد : داریوش دوم (424-405 ق.م) در اواخر عمر رهبری نبرد با کادوسی ها cadusiens را بر عهده گرفت و اندکی بعد هم مُرد و تاج سلطنت را برای پسر ارشدش اردشیر دوم بر جای نهاد . (بین اردشیر دوم 405-359 ق.م نیز با کادوسیان جنگی در می گیرد که نتیجه خاصی ندارد .) اردشیر سوم (359-338 ق.م) با قاطعیت هر چه تمام تر ، کادوسی ها را سرکوب کرد و قیام ساتراپ ها را فرو نشاند . (2).

این بی گفتگو است که نشیمن کادوسیان در کوهستان شمال شرقی آذربایجان ، در آنجا می بوده که اکنون نشیمن تالشان است . می باید گفت : نه کادوسیان از میان رفته اند و نه تالشان از جایی دیگر به جای ایشان آمده اند . این تالشان فرزندان و بازماندگان همان کادوسان می باشند و نام ((تالش)) دیگر شده از نام ((کادوس)) می باشد .

(3).

دکتر سیروس ایزدی نیز در کتاب مجموعه مقالات خود نوشته ای را با عنوان " پدید آمدن دولت ایران هخامنشی " از " ای . و . پپانکف - I.v. pyankov ترجمه کرده است ، که در قسمتی از آن این گونه آمده است : کورش با کادوسی ها دارای مناسبات اتحادی بود . این نکته را تنها " کتسی " خبر می دهد و می گوید هنگامی که کورش هنوز در درگاه آستیاگ (پادشاه ماد ، پسر هئوخشتره) بود ، پادشاه ماد او را نزد کادوسی ها فرستاد تا با فرمانروای آنها درباره ی اتحاد به توافق برسد و می نماید کورش کادوسی ها را به سوی خود می کشاند و در پی آن ، در دم سرنوشت ساز پیکار با آستیاگ ، می توان اندیشید که چشم به راه دریافت یاری از آنها بوده است . دشوار است بگوییم که این نکته تا چه اندازه پاسخگوی واقعیت است . تنها ، گمانی نیست بر اینکه خود ویژگی مناسبات کادوسی ها با شاه ، حال و روز دوران کتسی را برای او تصویر می کند . درست ، به هنگام آمدن کتسی به دربار اردشیر دوم ، این پادشاه علیه کادوسی ها که از او فرمان نمی برده اند ، لشکرکشی کرده و با آنها پیمان اتحاد بست . در دورانی آغازین تر ، حال و روز به گونه ای دیگر بود . در روزگار داریوش یکم ، کادوسی ها (در ساختار ساتراپی یازدهم ، پیرو نوشته هرودت) از اتباع شاهنشاه پارس بودند . (4).

زبان تالشی در داخل گروه شمال غربی زبانهای ایرانی از ویژگی مشخصی ، بخصوص از لحاظ لغات برخوردار است که اولین کسانی را که به این زبان علاقه مند شده اند به تعجب انداخته است . هر چند که خانیکوف برعکس این زبان را « لهجه ای ... کاملاً همان لهجه گیلکی » می داند ! در حقیقت زبان تالشی زبانی واسطه ای بین گیلکی و تاتی می باشد که به تاتی نزدیکتر است و زبان تاتی گُور به آسانی توسط تالشهای شاندرمن و بالعکس یاد گرفته می شود . (5).

تالشی در جمهوری آذربایجان ، در دشت لنکران و مناطق کوهستانی غرب آن رواج دارد . خارج از مرزهای اتحاد شوروی (سابق) ، تالشی در مناطقی در شمال غربی ایران ، در ساحل دریای خزر و در مرز ایران و شوروی (سابق) نیز رایج است . عده تالشی زبانان در 1976 در حدود 220000 تن بوده که 150000 تن از آنان در اتحاد شوروی (سابق) ساکن بوده اند . تالشی دنباله یکی از گویشهای ایرانی شمال غربی است که در ادوار گذشته در آذربایجان رواج داشته اند . دوبیتی هایی که در منطقه اردبیل به دست آمده اند و به قرن دهم . ه / شانزدهم . م ، تعلق دارند به یکی از این گویشها سروده شده اند . تحلیل این دوبیتی ها (توسط ب.و. میلر) نشان داده است که گویش اردبیلی در قرن دهم / شانزدهم دارای ویژگیهایی است که آن را به تالشی کنونی بسیار نزدیک می کند . (6).

زبان اوستایی :

(کتاب) اوستا ، مواد زبانی بسیار غنی را تشکیل می دهد . با این همه مطالعه این سند بسیار مهم برای تحقیقات زبان شناختی دارای اشکالات زیادی است . اوستا مجموعه ای از کتابهای مقدس ، حاوی سرودهای مذهبی و نهادهای اقوام ایرانی زبان در دنیای باستان است . بخشهای مختلف آن در دوره ها و مناطق مختلفی و در میان قبایل و اقوام مختلف ایرانی زبان تألیف شده است . قدیمی ترین قسمت های آن (از نظر محتوا) ، یعنی سرودهایی که در ستایش خدایان طبیعت سروده شده (یشتها) ، احتمالاً در هزاره دوم ق.م سروده شده اند . (7).

پیش از این در خصوص زبان اوستا اختلاف داشتند. برخی آن را از مشرق و برخی دیگر از شمال غربی ایران تصور می کردند. از قدیم به واسطه موجود بودن خطوط میخی هخامنشیان و مقایسه آنها با زبان اوستا ثابت بود که زبان مقدس متعلق به جنوب غربی ایران نمی باشد. در این اواخر به واسطه خطوطی که در تورفان (وادی تورفان Turfan در ناحیه کوهستانی تیانشان Tian-shan در شمال شرقی ترکستان چین واقع است. قسمتی از کتاب شاپورگان مانی که غالباً مورخین عرب و ایرانی از آن اسم برده اند «شاپرگان» در وادی مذکور پیدا شد، پیدا شد یقین گردید که زبان اوستا با زبان سُغدوختُن و یا مشرق ایران تفاوت کلی دارد. بنابراین امروز شکی نماند از آنکه زبان اوستا متعلق به مغرب ایران باشد. (8).

منطقه تالش و آذربایگان :

بنا به گفته پژوهش گران و محققان و زبان شناسان ایرانی و خارجی، زبان مردم آذربایگان قبل از هجوم تُرکان سلجوقی و مغولان، زبان آذری (آذری باستان؛ تاتی - تالشی) بوده است. و زبان مردم آذربایگان با تحقیقات جدید نشان داده شده است که بسیار شبیه زبان تالشی - تاتی بوده؛ در واقع شاید بتوان گفت گویشی از زبان تاتی - تالشی بوده و اکنون برای نام گذاری آن از زبان تاتی یا زبان آذری باستان استفاده می شود.

کیامهر فیروزی می نویسد: سال 431 هجری، نقطه عطفی است در آغاز دگر گشت زبان مردم آذربایجان. چه آنکه یورش ترکان سلجوقی در همین سال اتفاق افتاد. (9).

کسروی می گوید: آذری یکی از نیم زبانهای بزرگ و ریشه داری همچون کردی و مازندرانی و تالشی و گیلانی و مانند اینها بوده و در سراسر آذربایجان سخن گفته می شده و آن جز شاخه ای از زبان ایران نبوده. (10).

بابک خرمدین - منطقه تالش - منطقه آذربایگان :

بزرگ مردانی نیز از ایران زمین بوده اند که جنبش های ملی و عدالتخواهانه را علیه حکام غاصب و نژاد پرست عباسی رهبری می کردند. آنها به پیکار مسلحانه ی فعال علیه ستم بیدادگرانه ای که بنیادش بر نابرابری و زور بود دعوت می کردند. بزرگ ترین شورش خرمدینان « سرخ » جنگ بزرگ کشاورزان به رهبری بابک بود که در کوههای تالش آغاز گردید و در باختر ایران تا اصفهان و کرمان گسترش یافت. افواج خرمدینان، بارها ارتش بزرگ خلیفه را درهم شکستند. این قیام تکانی سخت به خلافت داد. تنها خلیفه معتصم 833-842 میلادی، با بازسازی ارتش و گماردن افشین - فتودال آسیای میانه - در رأس آن، به چرخشی در جنگ کامیاب گردید. فتودال های متحد بابک، در این هنگام به او خیانت کردند و با فرا چنگ آوردن زمین های تازه، با خلیفه از در آشتی در آمدند. در ماه اوت سال 837 میلادی، واپسین دژ خرمدینان - دژ بڈ در کوههای تالش - پس از یک سال محاصره، سقوط کرد. بابک که نزد یک شاهزاده ی آلبانی (= ارانی = آذربایجان امروز قفقاز) گریخته بود، از سوی او به خلیفه تحویل داده شد و به قتل رسید.

بابک، از نام خودش و نام همسرش - خرمه - و نام سپهسالار و سرهنگش - آذین - که نام هایی ایرانی است، آویختگی ملی اش روشن است. در تواریخ آمده است که پدر بابک از جایی در نزدیکی تیسفون بود و سپس به مرز و

خطه ی آذربایجان رفت . ابتدای کار خرمیدینان یعنی شورش آنها علیه سلاطین بنی عباس ، به نوشته ی " مجمل فصیحی " در اصفهان بوده و باطنیان نیز با آنان یکی شدند و پس از شکست و ناکامی به سوی جبال رفتند و قیام بابک در ادامه ی آن شورش ، سالها پس از آن آغاز شد . بابک در جنگ با خلفای عباسی از تالش و ارمنستان تا اصفهان و کرمان را تصرف کرده و بارها لشکریان غلامان ترک مزدور خلیفه و نیز عرب ها را در هم شکسته بود ، تا اینکه خلیفه معتصم ، یک فئودال زرتشتی - افشین اسروشه ای* - را مأمور جنگ با او کرد . (11).

ماجرای گفت و گوی بابک با معتصم عباسی و اعدام بابک :

بابک در عین بزرگ منشی و شجاعت ، در مقابل معتصم به زانو نشست و تعظیم نکرد و چون علت را پرسیدند با زبان شیوای آذری (تالشی - تاتی) چنین گفت : ((چاما سَرَزَمینه مَرَدکان ، گُرنِششان آموته نِه)) یعنی : (مردان سرزمین من ، کرنش و تعظیم را نیاموخته اند) . وقتی که یک دستش را قطع کردند ، با دست دیگر ، خون خود را به صورتش مالید و چون علت را پرسیدند ، گفت : ((وقتی خون چاما بَدَنک بیشی ، چاما دیم زَرَد آبی ، خوَنم چَمَن دیمک آسو ، که چَمَن زَرَد دیمک بینا مَرگِک نَتَرَسِرَم)) یعنی : (وقتی که خون از بدن برود ، صورت به زردی گراید ، صورتم را با خون رنگین کردم که بواسطه زردی صورتم تصور نکنید که از مرگ می ترسم) . نوشته اند وقتی که دست دیگرش را قطع کردند ، هیچ اعتراض نکرد و دم برنیاورد . مرگ بابک ، آتش استقلال طلبی ایرانیان را خاموش نکرد و پس از سالیانی نه چندان دور ، استقلال ایران محقق شد ، اما نام بابک خرمیدین همچون ستاره ای بر تارک تاریخ ایران درخشیدن گرفت . (12).

تطبیق واژه هایی از زبانهای اوستایی و تالشی

زبان اوستایی ، تالشی آستارا ، تالشی رضوانشهر

فارسی	اوستایی	تالشی (آستارا)	تالشی (رضوانشهر)
آن ، آن سو ، آنجا	اَوَا - ava	اَوَا - ava ؛ اِیو - ayo	اَوَر - avar ؛ اِگنی - ageny
من	اَزَم - azem	اَز - az	اَز - az

	چشم	آش - aš ؛ چشمان - čašman ؛ دائمن - daēman	چش - čaš	چش - čaš
	ما	أهمه - ahma	أمه - ama	أمه - ama
	بیهوده ، بی ارزش	آذر - ādara	هَذَره - hadara	ددار - dadār
	چربی	آزوتی - āzutay ؛ پیوه pivah -	پی - pi	اوزینه - uzyna
	گاو نر	اوخشَن - uxšan	وِشَن - vešan	وِشَن - vešan
	کارد ، چاقو	کارته - kareta	گُرده - korda	کارده - kārda
	چشمه	خان - xan ؛ خان نی - xanny	هونی - huni	خونی - xony
	شب	خَسپ - xšap	شَو - šav	شَو - šav
	خشنود ، خوش آمدن	خشناو - xšnav	خَش - xaš	خَش - xaš
	تخم	تَوخمان - taoxman	توم - tum	توم - tom
	تازش ، هجوم ، یورش	دِرش - dereš	دَرَز - dareze	-

به پختگی رساندن ، به حد بلوغ آوردن ، کامل ساختن			سرْاَش - sraoš			سِرَه ف - seraf = کلفت - ضخیم - سالم			سره ف - seraf = معنای گوسفند سالم و جوان آمده		
پختن			پاچه - pača			پاته - pātē			پته - patē		
پُل			پِرَتَو - peretav			پَرَد - pard			پَرَد - pard		
بُرنا شده ، بالغ			پِرِنایَو - perenāyav			پورنه - porna = به گوساله یک ساله می گویند که دیگر شیر نمی خورد			پارنه - pārna = به گوساله یک ساله می گویند		
پسر			پوسره - pusra			زوئه - zua			زوئه - zoa		
برادر			برائَر - brātar			بوئه - bua			برا - berā		
ابرو			بروات - bervat			باو - bav			بره - bera		
تند ، سریع			رَوَ - rava			رَو - rav			-		
پِهَن ، کود حیوانی			سَیریه - sairya			سِل - sēl			سل - sel		
سرخ ، قرمز			سوخره - suxra			سِه - sē			سر - ser		
بودن ، هستن			سَتی - stay			هَسِتِه - hēste			هِسْتِه - hēsta		

	چکه کردن ، چکیدن	سرِسک - srask	سِلَه - sela	چله - čela		
	زاییدن ، زاده شدن	زَن - zan	زَنده - zande	-		
	دانستن ، دانش داشتن	زن - zan	زنی په - zeniye	زونسته - zonestē		
	شادکام ، خشنود	شا - šā	شو - šo	شار - šār		
	خشک	هیشکو - hiškav	هَشک - hešk	-		
	زن	گِنا - genā	ژن - žēn	ژن - žēn		

بررسی تطبیقی واژه هایی از زبانهای تالشی و تاتی تالشی رضوانشهر ، تالشی آستارا ، تاتی کلور

فارسی	تالشی رضوانشهر	تالشی آستارا	تاتی کلور			
سیب	سیف - syf	سِف - sef	اسیف - asyf			
زنبور عسل	عسله مش - asala mēš	مِش - mēš = زنبور انگوین - angavin عسل	انگ - ang			

		ava - اوه	توژه - toža / توجه - toja		ava - اوه		نو - جدید
		esā - اسا	esse - اِسّه		esa - اسه		اکنون - حالا
		esby - اسبی	ispi - ایسپی		isby - ایسبی		سفید
		ešte - اشته	ešte - اِشْتِه		išty - ایشتی		مال تو - از آن تو
		ibardan - ای بردن	abardan - آبردن		وی بردن - vybardēn		فرو بلعیدن
		āhyn - آهین	osen - اُسن		āsen - آسن		آهن
		bāj - باج	bot - بُت		boāj - بواج		بگو
		berā - برا	bua - بوئه		berā - برا		برادر
		برمسن - beramesan	bamiye - بَمی یه		beramē - برمه		گریستن
		bezyāš - بزیاش	bežiyoyš - بژی یویش		bežyāš - بژیاش		زنده باشی
		-	balēt - بَلِت		balēta - بله ته		درب پرچین

	pylla - پيله		يول - yol = برای انسان گِلَن - gēlen = برای اشياء		yāl - يال		بزرگ
	terna - ترنه		لوه - lava = قسمت داخل شکم برای هضم خوراک / تِر - tēr = قسمت بیرون شکم ، شکل ظاهری شکم		لوه - lava		معدۀ - شکم
	tela - تِلَه		sēla - سِلَه		čela - چِلَه		چکه - چکیدن
	tygena - تیگنه گوره gora		ژژَه - žažē / تیه گوره - tiya gura ؛ گویی که این دو جانور با یکدیگر متفاوتند ولی تقریباً شبیه هم هستند		تیه گوره - tya gora		جوجه تیغی
	čanda - چنده		čaxta - چخته		čana - چنه		چقدر - چه اندازه
	čyja - چیجه		ziza - زیزه		čyza - چیزه		شکوفه
	xā - خا		oua - اوأ		āgela - آگله		تخم مرغ
	xalāv - خالاو		olat - اولت		xalā - خلا		لباس
	xāny - خانی		huni - هونی		xony - خونی		چشمه

خواهر	خالا - xāl(y)ā یک y کوچک بالای L	هووه - hova	خاو - xāv
خوابیدن	خته - xetē	هته - hētē	ختن - xetan
خندیدن	خورسته - xoreste	سه ری یه - sēriye	خورسن - xoresan
نگاه کردن - نگریستن	دیشه - dyaštē	دَدَشْتِه - dadašte	دیشتن - dyaštan
پسر	زوئه - zoa	زوئه - zua / زه - za = مخفف زوئه	زا - zā
زخم	زم - zam	یره - yara	زخم - zaxm
خنک	سره - sēra	سرین - sarin	سرین - saryn
مُتکا	سرنه - saran	سَنگوَنَه - sangūna / تلفظ تَا در این واژه بسیار حساس می باشد . شاید چیزی است بین ō کشیده و u .	سینه - sēyna

منابع : (1)- زبان پاک ، آذری زبان باستان ، نام شهرها و دیه های ایران ؛ سید احمد کسروی تبریزی ،

انتشارات فردوس ، چاپ دوم ، تهران ، 1379 ، ص 221 – 224 (2)- تاریخ ایران ، از آغاز تا اسلام ، رومن گیرشمن ، ترجمه : محمود بهفروزی ، نشر جامی ، چاپ چهارم ، 1388 ، ص 190 – 194 (3)- زبان پاک ، کسروی ، ص 225 – 226 (4)- نگاشته هایی در باب تاریخ ، زبان و فرهنگ ایران زمین ، دکتر سیروس ایزدی ، مؤسسه فرهنگی ، هنری و انتشارات بین المللی الهدی ، چاپ اول 1389 ، ص 134 – 135 (5)- تالش ، منطقه ای قومی در شمال ایران ، مارسل بازن ، ترجمه : دکتر محمد امین فرشچیان ، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی ، 1367 ، جلد دوم ، ص 414 – 415 (6)- زبانهای ایرانی ، یوسف . م. ارانسکی ، ترجمه : دکتر علی اشرف صادقی ، انتشارات سخن ، چاپ اول ، 1378 ، ص 139 – 140 (7)- زبانهای ایرانی ، یوسف . م. ارانسکی ، ص 50 (8)- اوستا (گاتها) ، ابراهیم پورداوود ، انتشارات پارمیس ، چاپ اول ، 1389 ، ص 58 (9)- آذربایجان تُرک نیست (تُرک زبان است) ، کیامهر فیروزی ، انتشارات به نگار ، چاپ اول 1387 ص 87 (10)- زبان پاک ، کسروی ، ص 136 (11)- نگاشته هایی در باب تاریخ ، زبان و فرهنگ ایران زمین ، دکتر سیروس ایزدی – ص 232 – 238 (12)- آذربایجان تُرک نیست (تُرک زبان است) ، کیامهر فیروزی ، ص 42 – 43 (13)- رهیافتی به گاهان زرتشت و متن های نو اوستایی ، هانس رایشلت ، گزارش : جلیل دوستخواه ، انتشارات ققنوس ، چاپ اول 1383 ، ص 514 – 713 / واژه های اوستایی از این منبع است . (14)- فرهنگ تاتی و تالشی ، علی عبدلی ، انتشارات دهخدا ، چاپ اول 1363 ، صفحات مختلف . / واژه های تالشی رضوانشهر از این منبع است . // واژه های تالشی آستارا از نویسنده این مقاله می باشد . (15)- فرهنگ تاتی و تالشی ، علی عبدلی ، صفحات مختلف / لغات تالشی رضوانشهر و تاتی کلور عیناً از این منبع برگرفته شده است . (کلور – kellor ؛ مرکز بخش شاهرود خلخال در جنوب استان اردبیل ؛ زبان تاتی) / لغات تالشی آستارا از نویسنده این مقاله می باشد .

.....

گرد آورنده و فرستنده نوشتار : ضیاء – ط ... وبلاگ فرستنده: دوستداران تالش (آستارا) اینجا را بفشارید

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «نگاهی به قوم تالش و زبان تالشی»، پارسیان دژ، ۱۳۹۳.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<http://parsiandej.ir/articles/1509/pdf/نگاهی-به-قوم-تالش-و-زبان-تالشی.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۲ مرداد ۱۴۰۵